

حذف مخالفین

اوت (مجلس اعلام و برای معرفی کابینه اظهار آمادگی کرده بود روز شنبه ۲۸ مرداد اعضا کابینه خود را به مجلس معرفی کرد. معرفی اعضا کابینه جدید با تأخیر انجام گرفت. قبل از تأخیر در معرفی اعضا کابینه به مجلس مشخص نشدن طرح اقدام وزارت خانه های دفاع و سپاه و ضرورت تغییر در آئین نامه داخلی مجلس در انطباق با تغییرات قانون اساسی اعلام شده بود. بعد از اینکه در روز سه شنبه ۲۹ مرداد بقیه در صفحه ۲

هفته گذشته هفته معرفی کابینه رفسنجانی به مجلس و انتصابات جدید در جمهوری اسلامی بود. پیش از این با انتخاب رفسنجانی به ریاست جمهوری و استعفای او از ریاست مجلس کروی به این سمت انتخاب شده بود و محمد یزدی طی حکمی از سوی خامنه ای به جای موسوی اردبیلی به سمت رئیس قوه قضائیه منصوب شده بود. رفسنجانی که استعفای خامنه ای از سمت ریاست جمهوری و شروع کار خودش در این سمت را در جلسه روز پنجشنبه ۲۶ مرداد (۱۹)

اکثریت

نثر به سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

۶ شهریور ماه ۱۳۶۸ برابر با ۲۸ آگوست ۱۹۸۹
به شماره ۲۷۲ سال ششم - شماره ۲۷۲

هر کجا

فریاد آزادی منم

سلام! عاشقان آزادی، رهسپار دگان روشنایی آب!
سلام! دل های پر تپش عشق، فرزندان بر و مندر آفتاب!

سخن گفتن از شما، زبان و ظرفیتی دیگر می خواهد. ظرفیتی که بتواند تمامی بالندگی عاطفه های ناب را آشکار و میان به بیان آورد. زبانی که شیدایی های دنباله دار زندگی را آن گونه باز گو کند که شما دوستش می داشتید. بی شما، بی حضور جان شکوفه باران، بهار آمد و رفت. درخت رنگی دیگر گرفت، شور زندگی دیگر بار در جوانه های جوان دمیده شد و هر شاخه، چتر شکوفه بر سر گرفت. بی شما، بی حضور بهار آفرینتان، پاییز نیز بر ما، بر باغ های مکرر گذر کرد و داغ رنجی ماندگار، بر دل های امیدوار، نهاد و رفت. بی شما، سالی گذشت. "سالی چه دشوار، سالی". اندوهتان - انبوه، انبوه - سینه به سینه ورق می خورد و شعله های فروزان یادتان در ما - در خواب و بیداری همواره زبانه می کشید. نامتان را نه تنها بر دیوار های شهر، بل بر دیواره های دل نوشته ایم بر بادهای بر آب های جاری. بر تنه درختانی که ایستاده اند و بهاری دیگر را انتظار می کشند و به هر جایی که نشان و نشانه ای از شور زندگی در آن جاریست.



توفین بر بیدادگران زمانه به قتلگاه می رفتید
بر آخرین پله خونتان فراز آمدید و با دهانی از
سپیده خواندید، زنده بازن زندگی، زنده با آزادی

آه... ای آزادی!

هنوز مادران بر سر گهواره کودکان از
حماسه تو سخن می گویند و فرزندان آفتاب
می پرورند. سرت را سبز می خواهیم ای سبزینه
سرخ نهاد، به ستارگان به خاک افتاده ات، درود!
به عاشقان همیشات، سلام!

در خم از دست دادنتان گریستیم. اندوه
بی شمار شمایان را به جان، پذیرفتیم و از درون
میهن بلا زده ما، از اینجا و از هر جای جهان سرود
سرفرازیان را تا دورهای دور، آواز داده ایم.
اینک خون همیانی شماست که در رگ های ما
می جوشد و می خروشد. اینک طنین دلنشین
آوازه های شماست که در ما جوانه می زند و به بار
می نشیند تا روزهای عشق را مکرر کند.
در سرزمین ما "آزادی و آزادی ست زندانی،
آزادی زندانی ترین واژه هاست"
نجات آزادی را در آن هنگام که به جرم

مذاکرات آتی صلح، بن بست های تازه

فعالیت تبلیغاتی و دیپلماتیک هر دو طرف جنگ،
به خصوص ایران، شدت گرفته است.
روز ۱۸ اوت دبیر کل سازمان ملل ضمن
اظهار نگرانی از پیشرفت ناچیز دوره های قبلی
مذاکرات، از طرفین خواست "روند صلح را که
روز ۱۳ اوت سال گذشته با امضای توافق نامه
آتش بس در جنگ شروع شد تکمیل کنند." او که
کارشکنی های عراق در برقراری صلح را در نظر
داشت از اینکه عقب نشینی به مرزهای شناخته
شده بین المللی هنوز انجام نگرفته است اظهار
تاسف همی کرد و در ضمن با توجه به خودداری
بقیه در صفحه ۳

۳۵ اوت (۹ شهریور) یک سال از اعلام رسمی
آتش بس در جبهه های جنگ ایران و عراق خواهد
گذشت. علیرغم خوش بینی بسیار خاور
پرز دو کوئیر - دبیر کل سازمان ملل متحد - به
هنگام برقراری آتش بس و برپایی ۴ دور مذاکره
بین ایران و عراق دستاوردهای این یکساله بسیار
ناچیز بوده اند: آتش بسی که تاکنون صدها بار نقض
شده و آزادی حدود ۱۵۰۰ نفر از بیشتر از ۱۰۰
هزار اسیر.

در دو هفته گذشته، با نزدیک شدن به یکمین
سال برقراری آتش بس تلاش های سازمان ملل برای
گشودن باب دیگری از مذاکرات بین طرفین و

در این شماره

* سالگرد کشتار همگانی

زندانیان سیاسی ایران

* از نامها

پرچم ها برافرازم!

* ما و فاجعه

صفحات ۵، ۶، ۷ و ۸

حذف مخالفین

جابجایی های هفته گذشته

لازم به یادآوریست که محمد یزدی طی دو دوره نماینده مجلس آخوندی بود و بعد از آنکه در دور سوم انتخابات مجلس به وکالت برگزیده نشد از سوی خمینی در تیرماه سال ۶۷ به عنوان یکی از "افقهای" شورای نگهبان منصوب و از سوی این شورا به سمت دبیر آن برگزیده شد.

مقتدایی که به عنوان رئیس دیوان عالی منصوب شده قبلاً یکی از پنج نفر عضو شورای عالی قضایی بوده است که در گسترش فساد، اختلاس و رشوه خواری در دستگاه قضایی کشور، که به قول یکی از نمایندگان مجلس باهت و آرد آمدن صدمات و ضرباتی به حکومت شده است که صدمات و خسارات وارده در طول ۸ سال جنگ ایران و عراق با آن قابل قیاس نیست، نقش فعال داشته است.

محمد محمدی ری شهری نیز قبلاً همدهدار پست وزارت اطلاعات و امنیت حکومت بوده است و در جنایت علیه آزادیخواهان و میهن دوستان کشور به طولی دارد. او یکی از حامیان اصلی کشتار هزاران تن از بهترین فرزندان مردم در شکنجه گاه های قرون وسطایی رژیم در سال گذشته بوده است. آخرین حکم انتصاب در هفته گذشته توسط خامنه ای صادر شد. او طی حکمی در روز پنجشنبه محمد هاشمی را به سمت مدیرعامل صدا و سیما جمهوری اسلامی منصوب کرد و از وی خواست که "صدا و سیما" با ادامه فرهنگ و اندیشه اسلامی رسالت نه شرقی نه غربی خود را حفظ کند و در برابر تبلیغات "ادشمنان اسلام" حالت تهاجمی داشته باشد.

"صدا و سیما" جمهوری اسلامی تا قبل از تصویب تغییرات جدید در قانون اساسی به شکل شورایی اداره می شد و محمد هاشمی - برادر علی اکبر هاشمی رفسنجانی - ریاست این شورا را برعهده داشت.

رفسنجانی - خامنه ای در مجموعه انتصابات جدید و با حذف افرادی چون محتشمی، سیدحسین موسوی و موسوی خوئینی ها از مسئولیت های پیشین، عناصر وابسته به گروه بندی مخالف را در مسئولیت های اجرایی هرچه محدودتر ساخته و تلاش نموده اند آنها را از تمامی مسئولیت های اصلی و کلیدی حذف نمایند.

نامبرده همچنین از نمایندگان خواست که تابع هو و هوس و افکار نادرست فیراسلامی نشوند.

به دنبال معرفی اعضا کابینه، رئیس جمهور جدید حکومت، معاونین خود را نیز معرفی کرد. رفسنجانی روز دوشنبه ۳۵ مرداد حسن حبیبی را که قبلاً همدهدار پست وزارت دادگستری بود به سمت معاون اول خود و سید عطاءالله مهاجرانی را به عنوان معاون رئیس جمهوری در امور حقوقی در مجلس منصوب کرد.

انتصاب معاونین ریاست جمهوری بنا بر اصل ۱۴۴ قانون اساسی جدید به همده رئیس جمهور گذاشته شده است و برای معرفی آنان رای اعتماد مجلس لازم نیست. مطابق تغییرات وارده در قانون اساسی معاون اول رئیس جمهور مسئولیت پست نخست وزیری را دارد و در هنگام فیت، فوت یا برکناری رئیس جمهور می تواند مسئولیت وی را تا پایان دوره ریاست جمهوری و آغاز دوره انتخابات بعدی آن به همده گیرد.

هفته گذشته کابینه رفسنجانی در حالیکه هنوز تا زمان اخذ رای اعتماد می باید کابینه قبلی به فعالیت خود ادامه دهد، اقدام به تشکیل یک جلسه به ریاست حسن حبیبی کرد و در طی این جلسه به بررسی اوضاع و احوال اقتصادی - اجتماعی کشور و بحث و بررسی پیرامون برنامه آتی خود پرداخت. وزرای کابینه رفسنجانی در طول هفته گذشته به اعلام رئوس برنامه های خود و تشریح سیاست وزارت خانه های متبوعه خود دست زدند. چه رفسنجانی و چه وزرای کابینه وی به دادن وعده و وعیدهای بسیار برای حل مشکلات اقتصادی و پایان بخشیدن به وضعیت وخامت بار همومی پرداخته اند.

در روز دوشنبه هفته گذشته همچنین طی دو حکم از سوی محمد یزدی رئیس قوه قضائیه، مقتدایی به سمت رئیس دیوان عالی و محمد محمدی ری شهری به سمت دادستان کل منصوب شدند.

هنوان وزیر کشور در دولت آینده... احترام به چهره مبارز، درد آشنا و رنج دیده ایست که امام... او را از دوستان خود می خواند و فرمود که وی از هوش سیاسی و تدین و اتوری برخوردار است و از طرف دیگر حساسیت فراوان استکبار جهانی و دشمنان انقلاب نسبت به ایشان و امید آنها به اینکه شاهد حذف چنین افرادی از صحنه سیاسی و اجرایی کشور باشند."

در تلاش برای به کرسی نشاندن همین ترکیب کابینه و تحمیل آن به رقیب، خامنه ای روز چهارشنبه دوم شهریور در دیدار با گروهی از "امت حزب الله" اعلام کرد که نمایندگان مجلس نباید از روی ملاحظیات سیاسی و یا شخصی درباره وزیران پیشنهادی تصمیم بگیرند. وی از نمایندگان خواست که هر چه زودتر به افراد پیشنهادی از جانب رفسنجانی رای اعتماد دهند تا دولت آینده بتواند کار خود را آغاز کند.

خامنه ای خاطر نشان ساخت: "اگر چه نمایندگان مجلس باید در مورد وزرای پیشنهادی به خوبی تفحص کنند و آزادانه به آنها رای دهند ولی در شرایط حساس کنونی مصلحت نیست که کارهای وزارت خانه ای متوقف گردد و وزارت خانه ای بدون وزیر باقی بماند."

موسوی اردبیلی قاضی القضاات خلع شده نیز که در نماز جمعه تهران سخن می گفت به شیوه خاص خود به تهدید نمایندگان مجلس پرداخت و آنان را به دادن رای اعتماد به کابینه جدید تشویق کرد. او در سخنان خود گفت: "هفته آینده که قرار است نمایندگان به بررسی شایستگی وزیران پیشنهادی بپردازند هفته سرنوشت سازی است و اگر نمایندگان ذره ای از اصول منصرف شوند حمایت مردم را از دست خواهند داد."

وی به نمایندگان توصیه کرد که اسیر جریانات نشوند و برای رسیدگی به کار وزیران وجدان را حاکم کنند و صرافکار دانی، لیاقت و درایت آنها را در نظر بگیرند.

باقیه از صفحه اول
مجلس اسلامی طرح ادغام دو وزارت خانه مذکور و دوفوریتی بودن طرح تغییرات آئین نامه داخلی مجلس را مورد تصویب قرار داد ظاهراً "مواع" عدم معرفی کابینه جدید به مجلس جهت گرفتن رای اعتماد مرتفع شدند.

در لیست ارائه شده از سوی رفسنجانی به مجلس اسامی ده تن از وزرای کابینه قبلی وجود دارند که در پست های خود ابقا شده اند. این ها عبارتند از: نجفی (آموزش و پرورش)، ولایتی (امور خارجه)، قرضی (پست و تلگراف و تلفن)، فروزش (جهاد سازندگی)، سعیدی کیا (راه)، خاتمی (فرهنگ و ارشاد اسلامی)، کلانتری (کشاورزی)، گازرونی (مسکن و شهر سازی)، آقازاده (نفت) و زنگنه (نیرو)، ضمنا و هاجی نیز که به عنوان وزیر بازرگانی معرفی شده است قبلاً سرپرستی وزارت بازرگانی را به همده داشته است.

سه نفر از اعضا کابینه جدید، نژادحسینیان، فاضل و نعمت زاده، سابقاً نیز به عنوان وزیر فعالیت داشته اند و چهار نفر از آنان (نوربخش، معینی، کمالی، مخلوج چی) جزو نمایندگان مجلس هستند.

دیگر وزرای معرفی شده نیز قبلاً در پست های مختلف حکومتی فعالیت می کرده اند. فلاحیان قائم مقام وزارت اطلاعات، عبدالله نوری نماینده خمینی در سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، شوشتری سرپرست سازمان زندان ها و ترکان مسئول سازمان صنایع دفاع بوده اند.

محتشمی وزیر کشور، ری شهری وزیر اطلاعات، ایروانی وزیر امور اقتصاد و دارایی، هلی شمخانی وزیر سپاه و بهراد نبوی وزیر صنایع سنگین در کابینه میرحسین موسوی بوده اند که در کابینه پیشنهادی رفسنجانی کنار گذاشته شده اند. کنار گذاشتن محتشمی از هیات دولت از حساسیت بسیاری برخوردار است. قبل از اعلام اسامی اعضا کابینه جدید توسط رفسنجانی به مجلس، در همان اجلاس روز شنبه ۲۸ مرداد مجلس، نامه ۱۳۶ نفر از نمایندگان خطاب به رفسنجانی که در آن از رفسنجانی خواسته شده است که محتشمی به عنوان وزیر کشور در دولت جدید نیز معرفی شود، قرائت شد. در نامه آمده است: "...حضور محتشمی به

مذاکرات آتی...

بقیه از صفحه اول

ایران از مبادله اسرا قبل و یا همزمان با عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی متذکر شد که دهها هزار اسیر هنوز در حالی که قادر به بازگشت به کشورهایشان نیستند در اردوگاه هابرس می بوند. اظهارات دبیر کل سازمان ملل سه روز پس از سخنرانی خامنه ای، که در آن او به مساله جنگ نیز پرداخته بود، و دو روز پس از اعلام رؤس برنامه رئیس جمهوری توسط رفسنجانی صورت گرفت. خامنه ای طی سخنرانی مذکور به تاریخ ۱۵ اوت پیرامون "تلاشهای جمهوری اسلامی برای به نتیجه رساندن مساله اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ و مذاکرات صلح" گفته بود: "عقب نشینی به مرزهای شناخته شده بین المللی مقدمه هرگونه حرکت دیگری است." ضمناً او که توضیح متعنی برای خودداری جمهوری اسلامی از استرداد اسرا نداشت تنها به تعریف و تمجید از اسرا و این که آنها "دچار اضمحلال درونی و سر فرو آوردن سر تسلیم در برابر دشمن نشدند" و شجاع و قوی هستند اکتفا کرد. خامنه ای هم چنین تصریح کرد که جمهوری اسلامی حاضر به مذاکره مستقیم با دولت عراق است اما شرط آن بازگشت نیروها به مرزهای بین المللی است. این در حالی است که عراق اعلام کرده است که اجرای قطعنامه ۵۹۸ بدون برگزاری مذاکرات مستقیم ممکن نیست.

یک روز بعد از سخنرانی خامنه ای رفسنجانی به هنگام ارائه رؤس برنامه خود گفته بود با توجه به هدم دستیابی به صلح ناچار هستیم که بخش اعظم امکانات خود را همچنان به تقویت نیروهای مسلح اختصاص دهیم و... مساله دفاع از مرزهای کشور هم چنان در اولویت قرار دارد. براین زمینه اظهار نگرانی دبیر کل از پیشرفت ناچیز مذاکرات کاملاً موجه می نماید. از سویی دیگر برقراری صلح جامع بین ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ یکی از موضوعات مهمین اجلاس سران کشورهای عضو جنبش غیر متعهد خواهد بود. این اجلاس در روزهای ۴ تا ۷ سپتامبر در بلگراد برگزار خواهد

شد. یوگسلاوی پیشنهادی را در خصوص جنگ ایران و عراق برای گنجاندن در قطعنامه اجلاس ارائه کرده است.

علاوه بر ایران و عراق که می کوشند مهمین اجلاس سران کشورهای غیر متعهد را در جهت منافع و اهداف خود سوق دهند، سازمان ملل نیز تلاش دارد که از این اجلاس در جهت تحقق صلح پایدار بین ایران و عراق بهره گیرد. روز ۲۲ اوت سخنگوی سازمان ملل اعلام کرد که یان الیاسون نماینده دبیر کل در امور مربوط به جنگ ایران و عراق برای ادامه مذاکرات بین دو کشور از نیویورک هازم زانو شده است، تا به منظور فراهم آوردن مقدمات از سرگیری مذاکرات صلح در مدت برقراری اجلاس غیر متعهد با نمایندگان ایران و عراق مذاکره کند. دبیر کل سازمان ملل می کوشد سران دو کشور را به ملاقات با یکدیگر در بلگراد ترغیب کند. او سران دو کشور را به ملاقات جداگانه با خود در بلگراد دعوت کرده است.

این کوششها در حالی صورت می گیرند که از سویی روز جمعه ۲۵ اوت وزیر امور خارجه عراق در نامه ای به پرزود کوئیار خواهان مستقیم شدن مذاکرات تحت نظارت سازمان ملل شده و اعلام کرده است که اجرای قطعنامه ۵۹۸ بدون برگزاری مذاکرات مستقیم ممکن نیست و از سویی دیگر سخنگوی وزارت خارجه ایران در واکنش نسبت به مقاله روز چهارشنبه ۲۳ اوت که بیان می کرد که باید به مساله آزادی اسیران اولویت داده شود اعلام کرد که اجرای مفاد دیگر قطعنامه مشروط به عقب نشینی عراق از اراضی اشغالی است و نظر مطبوعات همیشه منعکس کننده مواضع رسمی مقامات جمهوری اسلامی نیست.

چنانکه مشاهده می شود، مساهمی سازمان ملل یکبار دیگر می رود که با بن بست مواجه شود. تمامی نیروها و دول صلح دوست باید با اعمال فشار بر هر دو کشور، خاصه عراق که مانع اصلی در راه تحقق یک صلح پایدار است، به شکستن بن بست مذاکرات و تحقق صلح یاری رسانند.

نگاهی به رؤس برنامه رفسنجانی

روز پنجشنبه ۱۷ اوت (۲۶ مرداد) هاشمی رفسنجانی طی یک سخنرانی در مجلس رؤس برنامه های خود را اعلام کرد. بعضی از مطبوعات و مقامات جمهوری اسلامی کوشش فراوانی کرده اند تا در مردم ما چنین القا کنند که ریاست جمهوری رفسنجانی مرحله تازه ای در حیات جامعه ماست که با برآورده شدن خواستهای مردم مشخص خواهد شد باختصار ببینیم رؤس برنامه های رفسنجانی به مردم چه بشارتی می دهند و در مان کدام دردهای جامعه اند.

یکی از اساسی ترین مسایلی که نه فقط در این "مرحله تازه" بلکه چندین و چند سال است - و بخصوص در این یکساله پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی - که مردم ما می خواهند تکلیف شان نسبت به آن روشن شود مساله جنگ است آنان خواهان صلح پایدار و خروج کشور از حالت جنگی اند ما رفسنجانی در این باره چه می گوید؟ علیرغم اینکه او اظهار می دارد "به نظر من به احتمال قوی از لحاظ نظامی بعید است که ما دیگر جنگ داشته باشیم" اما نتیجه ای که از این نظر هاید مردم می شود این که "تا سایه جنگ و خطر بر این کشور و انقلاب باشد باز هم اولویت (جنگ) محفوظ است" و "ما باید منابع همدمان را به دفاع و تقویت نیروهای مسلح مان اختصاص دهیم."

رفسنجانی از لزوم سازندگی و "دادن بیمه و مسکن و آموزش کافی و کار" هم حرف می زند و قول بعضی اصلاحات را هم می دهد. اما بیمه و مسکن و آموزش کافی و کار چگونه تامین خواهند شد؟ رفسنجانی در این باره حرفی نمی زند اما برخورد واجب می داند درباره اینکه این ها چگونه تامین خواهند شد حتماً با تعیین شرایط تعریف نشده ای خط و نشان های لازم را بکشد: "بر فرض اگر مسکن داشته باشیم اما استقلال سیاسی و اقتصادی نداشته باشیم یا مرزهایمان حراست نشود به نظر نمی رسد که مردم ما چنین مسکن و بیمه ای را بخواهند." اما این هم همان تکرار حرف خمینی است که

مردم را از خواستن خربزه پرهیز داد و به آن ها وعده ارزش های عالی داد. تازه بعد از انتظار ده ساله مردم برای ارزش های عالی رفسنجانی همان مضمون را که فقط کمی "خاکی" تر شده است تکرار می کند: "از مردم انتظار داریم با همکاری کنند و صبر کنند و مهلت بدهند." پس رفسنجانی انتظار دارد مردم یک دهه دیگر به جمهوری اسلامی فرصت دهند تا باز هم حقشان را از آن ها دریغ کند و آخر الامر از او بشنوند: "این حقوقی که قانون اساسی به مردم ما داده خیلی از آن ها را ما نتوانستیم به مردم بدهیم. نه اینکه ما نتوانستیم، مردم ما همین را خواستند."

امروزه دیگر کمتر کسی از میان مقامات جمهوری اسلامی هست که وجود مشکل و مشقت را منکر شود. طبیعی است که رفسنجانی هم منکر نشود اما مشکل مورد نظر او مثلاً در هرصه تولید و اقتصاد چیست؟ "ما الان ظرفیت های بسیار بالایی داریم و ماشین های ما خوابیده است و پای آن ها هم کارگر ایستاده است و حقوق هم می گیرد و کار هم نمی کند." پس مشکل تولید با کار نکردن کارگر توضیح داده می شود.

با چنین سبک برخوردی به خواسته های برآورد نشده مردم و مشکلات جامعه، تکلیف نقش جمهوری اسلامی و سیاست آن در ایجاد اوضاع فعلی روشن است: "رژیم منحوس پهلوی باید جوابگو باشد که باید نفت می فروخت و گوشت گوساله فرانسوی به مردم می داد و مردم را بدبار آورد و زندگی را خراب کرد."

و با این احوال رفسنجانی انتظار دارد مردم، اظهار تنفر او را از خودکامی جدی بگیرند. خلاصه کنیم: رفسنجانی با طرح بعضی رفرم ها و بیان بعضی مشکلات می کوشد چنین وانمود کند که این مشکلات قابل حل اند، بی آنکه نیازی به تغییر در ارکان برنامه ده ساله گذشته وجود داشته باشد. اما بدون چنان تغییری رفرم های او در چنبره معضلات خواهند فرسرد.

آیین نامه اجرایی قانون

انتخابات شوراهای اسلامی

آیین نامه اجرایی قانون انتخابات شوراهای اسلامی دو هفته پیش جهت اجرا به وزارت کشور ابلاغ شد. قرار است مطابق این ابلاغیه نخستین انتخابات شوراهای اسلامی در کشور در مهرماه اجسام صورت گیرد.

طرح تشکیل شوراهای اسلامی برای نخستین بار در سال ۱۳۶۱ در مجلس مطرح شد و به تصویب رسید و شورای نگهبان نیز هدم مقاربت این طرح را با موازین شرع و قوانین اسلامی اعلام داشت.

از این تاریخ راجع به دستور العمل اجرایی آن بحث هایی صورت گرفت که در سال ۱۳۶۳ لایحه اصلاح برخی از مواد و الحاق موادی دیگر به قانون تشکیلات شوراهای اسلامی به تصویب رسید. اما اجرا آن مسکوت ماند تا این که در سال ۱۳۶۵ مجلس این بار بررسی لایحه انتخابات شوراهای اسلامی را آغاز کرد و پس از تصویب مقرر کرد که وزارت کشور همده دار برگزاری انتخابات آن باشد.

قانون شوراهای اسلامی در مردادماه ۱۳۶۵ برای اجرا به وزارت کشور ابلاغ شد و در همان تاریخ وزارتخانه مزبور آمادگی خود را برای برگزاری انتخابات اعلام کرد اما از آن هنگام تاکنون بدون آنکه توضیحی از جانب مقامات این وزارتخانه یا دیگر مقامات دولتی داده شود اجرای انتخابات شوراهای اسلامی به تهویق افتاده است.

بر پایه انتخابات مزبور می بایست حداقل ۴۰ هزار نفر برای این شوراها انتخاب شوند.

ردپیشنهاد ایران برای

از سرگیری رابطه با انگلستان

سخنگوی وزارت خارجه انگلستان ضمن متمم ساختن حکومت ایران به دخالت در امور داخلی این کشور پیشنهاد ایران را در مورد از سرگیری روابط بین دو کشور رد کرد. اظهارات سخنگوی وزارت خارجه انگلستان در واکنش به سخنان محمود واعظی طبعی معاون وزیر امور خارجه و سرپرست بخش اروپا و آمریکا وزارت خارجه در روز سه شنبه ۲۴ مرداد بود. محمود واعظی در این سخنان اظهار داشته بود که اگر دولت لندن به ارزش های اسلامی احترام بگذارد، ایران حاضر است رابطه دیپلماتیک خود را با بریتانیا از سر بگیرد. وی اعلام کرد که شرایط ایران برای برقراری این مناسبات این است که دولت بریتانیا تلاش ورزد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی را متقاعد سازد که قصد این دولت از تجدید رابطه با ایران از انگیزه های خالصانه و بدون ریا سرچشمه می گیرد و از این به بعد به ارزش های اسلامی احترام خواهد گذاشت.

موافقت آمریکا با طرح

دعای ایران در دادگاه لاهه

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام داشت که دولت آمریکا موافقت کرده است که دعای جمهوری اسلامی پیرامون سرنگون شدن هواپیمای مسافربری "ایرباس" ایرانی در آب های خلیج فارس توسط ناو آمریکائی "ویسنس" در دادگاه بین المللی لاهه مطرح گردد. این سخنگو همچنین گفت که این موضوع به این معنی نخواهد بود که دولت آمریکا حتماً رای دادگاه لاهه را بپذیرد و افزود آمریکا حق رد رای دادگاه را برای خود محفوظ می دارد.

قرار است در جلسه این دادگاه مشاور حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا برای پاسخگویی به دعای ایران شرکت داشته باشد.

ایران سه ماه پیش شکایتی علیه دولت آمریکا تسلیم دادگاه بین المللی لاهه کرد و طی آن خواستار شد که دولت آمریکا به علت به موجب بسته شدن هواپیمای مسافربری ایران که موجب کشته شدن بیش از ۲۹۰ تن سرنشینان آن گردید، محکوم شود و از آمریکا خواسته شود که به ایران خسارت و قرامت بپردازد.

قابل تاکید است که دولت آمریکا از چهار سال پیش صلاحیت دادگاه بین المللی لاهه که در آن دعای حقوقی ایران پیرامون اموال مسدود شده ایران در آمریکا طرح شده بود را به رسمیت نمی شناسد.

ژاپن به ایران قرامت می پردازد

"هادلی" سفیر ایران در توکیو اعلام کرد که کنسر سیوم "میتسوئی" ژاپن حاضر شده است به خاطر ترک مشارکت در مجتمع پتروشیمی ایزان مبلغ یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار به ایران خسارت بپردازد.

"هادلی" گفت: کنسر سیوم "میتسوئی" ژاپن می خواهد از مشارکت در ادامه تاسیس مجتمع پتروشیمی بندر خمینی دست بکشد، اما ایران مایل به قطع این همکاری نیست ولی در همین حال ممکن است گفتگوهای بیشتری برای افزایش مبلغ قرامت پرداختی به ایران بین این کنسر سیوم و ایران صورت بگیرد.

اجرای طرح مجتمع پتروشیمی ایران که پروژه آن از سال ۱۹۷۱ با مشارکت چند شرکت ژاپنی از جمله شرکت میتسوئی شروع شده بود بعد از صرف هزینه ای در حدود چهار میلیارد و ششصد میلیون دلار در جریان حملات هوایی عراق در حالیکه نزدیک به ۸۵ درصد از تاسیسات این مجتمع ساخته شده بود قطع گردید.

طرف ژاپنی مورد قرار داد اعلام کرده است که ادامه مشارکت در این پروژه از نظر اقتصادی برای آن ها به صرفه نیست و حاضر است به خاطر ترک مشارکت به ایران خسارت بپردازد.

در همین حال چند شرکت کره جنوبی پیشنهاد کرده اند که در صورت خروج ژاپن از مشارکت در اجرای پروژه مزبور حاضر به همکاری با ایران در اجرا آن می باشند.

احداث پالایشگاه در اراک

بر پایه قراردادی که میان مقامات جمهوری اسلامی و شرکت های ژاپنی و ایتالیائی منعقد شده است، پالایشگاهی با ظرفیت ۱۵۰ هزار بشکه در روز در اراک ساخته می شود. بر اساس قرارداد فوق می بایست شرکت های طرف پیمان ظرف مدت ۴۰ ماه به اتمام پروژه مزبور بپردازند.

این پالایشگاه در ۲۰ کیلومتری شهر اراک احداث می شود و تولیدات آن شامل نفت سفید، نفت گاز، بنزین موتور، بنزین هواپیما، گاز مایع، نفت کوره، قیر، گوگرد و مواد اولیه مورد نیاز پتروشیمی اراک است.

هزینه اجرایی این طرح ۱۳۰ میلیارد ریال و ۸۵ میلیون دلار پیش بینی شده است.

تعداد ۶۰ مهندس ایرانی و ۲۵۰ تکنیسین خارجی در احداث پالایشگاه اراک با شرکت های "جی. جی. سی" ژاپن و "تی. پی. ال" همکاری خواهند کرد.

سفر نخست وزیر

جمهوری خلق چین به ایران

در تهران اعلام شد که نخست وزیر جمهوری خلق چین بنا به دعوت رسمی حکومت اسلامی به ایران سفر خواهد کرد. نخست وزیر چین قرار است در چارچوب سفرهای خود به چند کشور خاورمیانه از ایران نیز بازدید به عمل آورد.

برنامه این دیدار در جریان سفر خامنه ای در بهار سال جاری به جمهوری خلق چین صورت گرفت.

در این دیدار ملاقاتهایی مابین مقامات حکومت اسلامی و نخست وزیر چین انجام خواهد شد و مسائل مورد توافق در قرار دادهای منعقد بین طرفین در مدت اقامت خامنه ای در پکن مورد پیگیری قرار خواهد گرفت.

صادرات غیر نفتی ایران

خبازان رئیس مرکز توسعه صادرات ایران اعلام کرد که با پیش بینی یک میلیارد و چهارصد میلیون دلار ارز استحصالی، میزان صادرات غیر نفتی کشور در سال جاری نسبت به سال گذشته از ۵۷ درصد رشد برخوردار می باشد.

تا بمرده با اعلام این مطلب که صدور کالاهای غیر نفتی در سال جاری از رشد چشم گیری برخوردار می باشد در خصوص صدور این فرآورده ها در برنامه ۵ ساله اقتصادی گفت میزان ارز استحصالی کشور در این مدت به ۱۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال خواهد رسید.

وی میزان صادرات سرانه کشور را در طول ۱۰ سال گذشته به طور متوسط ۱۳ دلار و واردات سرانه را ۲۸۵ دلار اعلام کرد.

گاه‌شمار روزهای سیاه کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

ما و فاجعه

* هفته سوم تیر ماه:

شورای عالی قضایی، طی اطلاعیه‌ای خبر اعدام قریب الوقوع ده تن از زندانیان محکوم شده را تایید کرد. در این اطلاعیه آمده است: "شورا با نهایت به مستندات پرونده و نیز تایید دادگاه عالی، احکام صادره در مورد ده تن از این مفسدین را تنفیذ کرد و حکم به اعدام داد." دو هفته پیش از اعدام رفیق انوشیروان لطفی و دو مبارز دیگر از سازمان مجاهدین خلق و اتحادیه کمونیست‌ها، نیز شورای عالی قضایی اطلاعیه مشابهی منتشر ساخته بود.

"اکثریت" شماره ۲۱۶، این دو اطلاعیه را چنین تفسیر کرد: "با اطلاعیه اخیر شورای عالی قضایی خبر اعدام‌های جمعی قریب الوقوع قطعیت یافته است. شاید خبر اجرای این احکام تبه‌کارانه هیچگاه اعلام نشود."

هفته چهارم تیر ماه: فدایی خلق فرامرز صوفی، کیوهرت زرفشاس عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و دبیر اول وقت سازمان جوانان حزب توده ایران، سعید آذرنگ کادر حزب توده ایران و چهار زندانی مجاهد خلق به جوخه اعدام سپرده شدند. اینها نخستین گروه از ۵۵ تن زندانی سیاسی بودند که قرار بود اعدام شوند.

* به دنبال این اعدام‌ها ملاقات زندانیان با خانواده‌ها قطع شد.

هفته اول مرداد ماه:

* ۸ زندانی سیاسی هوادار مجاهدین را در برابر چشمان مردم به دار آویختند.

هفته دوم مرداد ماه:

* حکم اعدام ۵۵ نفر از زندانیان سیاسی به تایید عالی‌ترین ارگان آدم‌کشی رژیم رسید. شکنجه‌گران جمهوری اسلامی این ۵۵ زندانی سیاسی را به سلول‌های انفرادی منتقل کردند.

هفته سوم مرداد ماه:

* خانواده‌های زندانیان سیاسی در روز پنجشنبه ۲۵ مرداد ماه به شورای سرپرستی زندان‌ها مراجعه کردند و با تهدید و امتناع از هرگونه پاسخ‌گویی مزدوران رژیم مواجه شدند.

هفته دوم شهریور ماه:

* طی یک ماه گذشته قریب ۶۰ تا ۷۰ گور جدید در محل گلستان خاوران کشف شده است.

هفته سوم شهریور ماه:

* به دنبال عملیات نظامی سازمان مجاهدین خلق در قریب کشور، زندانیان وابسته به این سازمان در معرض انتقام‌جویی جنایت‌کارانه رژیم خمینی قرار گرفتند. رژیم فقط از جو سیاسی ایجادشده در راستای ارضای تمایلات خونخوارانه خود بهره گرفت.

* خانواده‌های زندانیان سیاسی در مراجعات مکرر خود به زندان‌ها و نهادهای ذی‌ربطه هیچ پاسخی درباره هزیزان زندانی خویش دریافت نکرده‌اند.

هفته چهارم شهریور ماه:

* یکی از مهاجرین آزاده ایرانی به نام مهرداد ایمن که در تظاهرات اعتراضی ایرانیان در نیویورک علیه کشتار زندانیان سیاسی کشورمان شرکت کرده بود، در برابر مقر سازمان ملل به‌هنوان اعتراض به اعدام‌های جمعی خود را به آتش کشید. متأسفانه وی در نتیجه شدت جراحات چشم از جهان فروبست.

هفته اول مهر ماه:

* در شهرهای مختلف اروپا و آمریکا، دانشجویان و ایرانیان مهاجر و آزاده با انجام راه‌پیمایی یا تحصن و اعتصاب غذا با زندانیان سیاسی ایران ابراز همبستگی می‌پردازند.

هفته اول آبان ماه:

خبر کشتارهای جمعی درون زندان‌های ایران به خارج از زندان می‌رسد.

* در گورهدشت کرج در یکی از موارد اعدام‌های جمعی حدود صد تن از زندانیان سیاسی را به خون درفلتانده‌اند.

* در آمل ده‌ها زندانی را اعدام کردند.

* در لنگرود ده‌ها تن از زندانیان سیاسی اعدام شده‌اند.

* نزدیک هفتاد زندانی سیاسی را از اوین و دیگر زندان‌های تهران به مقرهای ساواک خمینی برده‌اند.

* در زندان دستگرد اصفهان هدهای از زندانیان سیاسی اعدام شده‌اند.

* در رشت در دو نوبت گروه

کثیری از زندانیان سیاسی تیرباران شده‌اند.

* در شهرهای اراک، ورامین و مشهد نیز هدهای از زندانیان سیاسی اعدام شده‌اند.

* در اواخر مرداد و اوایل شهریور ماه در زندان فجر اهواز گروهی از زندانیان سیاسی اعدام شده‌اند.

* در بهشت‌زها قربانیان کشتار ماه‌های اخیر را در گورهای جمعی در کانال‌های طولی که کنده‌اند، خاک کرده‌اند.

* در گورستان خاوران کانال‌های متعددی برای گورهای جمعی حفر کرده‌اند.

* اجساد اعدام‌شدگان گورهدشت را در محلی در همان حوالی زندان گورهدشت مدفون کرده‌اند.

هفته سوم آبان ماه:

* گورهای جمعی همه‌جا پراکنده‌اند. در خاوران تهران هلیورقم خاک‌هایی که با کامیون بر گورهای جمعی ریخته‌اند و با بولدوزر کوبیده‌اند اجساد زندانیان کشف شده‌است. تنها در این گورستان تعداد اجساد که در دو طبقه و در دو ردیف گور جمعی بر آنها خاک ریخته‌اند، ۳۰۰ نفر تخمین زده شده‌است.

هفته دوم آبان ماه:

* هکس‌های تکان‌دهنده اجساد که در زیر خاک‌های تلنبار شده گورهای جمعی در خاوران تهران کشف شده‌اند، در تهران دست به‌دست گشته و به خارج کشور فرستاده می‌شود. این سند هولناک جنایت جمهوری اسلامی جهانیان را تکان می‌دهد.

* کمپسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با صدور بیانیه‌ای اعدام‌های جمعی توسط جمهوری اسلامی را به‌شدت محکوم می‌کند.

* سازمان هفوبین‌الملل درباره موج جدید اعدام زندانیان سیاسی ایران هشدار می‌دهد.

* کمپسیون حقوق بشر طی بیانیه‌ای اظهار می‌دارد:

"تعداد زیادی از زندانیان سیاسی وابسته به گروه‌های مختلف اپوزیسیون در ماه‌های ژوئیه، اوت و آقاز سپتامبر اعدام شده‌اند... تعداد اعدام‌شدگان

اخیر به‌نقل از برخی منابع اپوزیسیون ۱۱۴۰ نفر ذکر گردیده‌است..."

"رنالدو گالیندوپل" که از طرف سازمان ملل در مورد پیگیری امر حقوق بشر در ایران ماموریت ویژه دارد، بر نگرانی شدید بین‌المللی نسبت به حقوق بشر در ایران تاکید کرده‌است.

هفته سوم آبان ماه:

* یکی از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به رژیم سرکوب و ارباب جمهوری اسلامی خودسوزی کرد و جان سپرد.

هفته اول آذر ماه:

* حرکات سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های دمکراتیک در خارج از کشور در اعتراض به اعدام‌های جمعی اوج تازه‌ای می‌گیرد.

* تظاهرات مشترک ۱۱ تشکل دمکراتیک ایرانیان مقیم شهرهای مختلف آلمان فدرال، در شهرین با حضور بیش از هزار نفر برپا می‌شود. بیش از هزار ایرانی مقیم خارج از کشور یک دل و یک زبان فریاد برمی‌آورند که: اعدام و شکنجه باید متوقف شود! زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

* تظاهرات سازمان یافته توسط تشکل‌های دمکراتیک با شرکت نیروهای وابسته به همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی در اعتراض به اعدام‌های جمعی در کشورهای فرانسه، آمریکا، سوئد و... انجام گرفت.

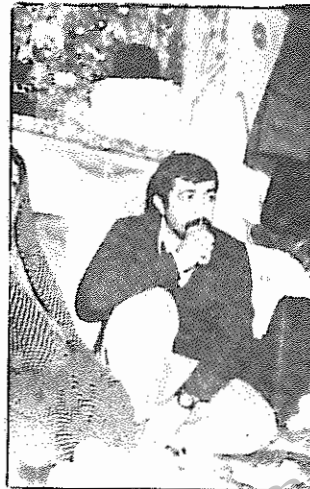
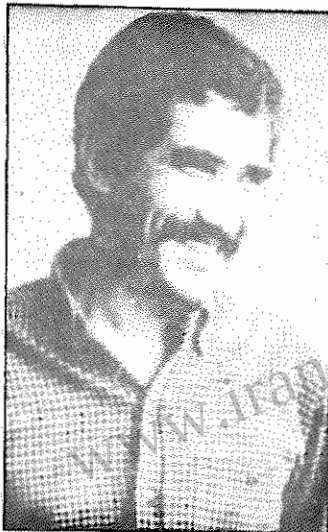
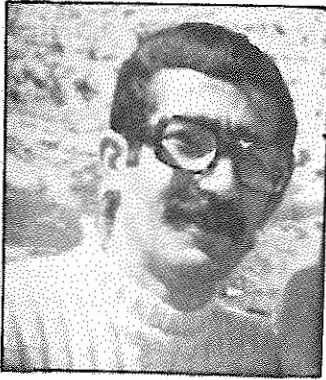
* هم‌زمان با کشتار اعضا، کادرها و رهبران سازمان‌ها و احزاب سیاسی که در زندان‌های جمهوری اسلامی اسیرند، دکتر سامی رهبر جاما (جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران) در روز چهارشنبه دوم آذرماه در تهران در مطب خود مورد حمله چاقوگشان و ایادی جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد و روز شنبه پنجم آذرماه در بیمارستان جان می‌سپارد.

هفته دوم آذر ماه:

* نام ۱۳۸ تن از قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران در نشریه اکثریت منتشر می‌شود.

بمناسبت سالگرد کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران:

از نام‌ها، پرچم‌ها برافرازیم!



گروه، ده ده و صد صده گلوله بست و کشت.

کشف نخستین گورهای جمعی در خاوران تهران، وجدان بشریت را تکان داد. جمهوری اسلامی، چهره جنایتکار خود را هریان تراز پیش به نمایش گذاشت. کشتار جمعی زندانیان، طغیان آشکار این رژیم علیه بشریت بود.

رژیم بولدوزرها را به کمک گرفت تا جنایاتش را در زیر خروارها خاک پنهان کند. جنایات، اما، پوشیده نماند. قشر ضخیم خاک کنار زده شد و خانواده‌ها عزیزانشان را شناسایی کردند. خبر، دهان به دهان نقل شد: "تنها در گورستان خاوران نزدیک ۳۵۰ نفر از زندانیان اعدامی دفن شده‌اند!"

عکس‌های گورهای جمعی، سندی از اسناد جنایات هولناک رژیم، به دست مردم افتاد دست به دست گشت و به خارج از کشور فرستاده شد، و به همت ایرانیان آزاده مقیم خارج از کشور، جهانیان سند هولناک این جنایت بزرگ را مشاهده کردند. نیروهای مترقی، احزاب، جمعیت‌های بشردوست و مردم آزاده جهان به این جنایات اعتراض کردند، ایرانیان مقیم خارج از کشور در سراسر جهان راهپیمایی‌های اعتراضی ترتیب دادند با این همه، رژیم ددمنش جمهوری اسلامی به جنایات خود

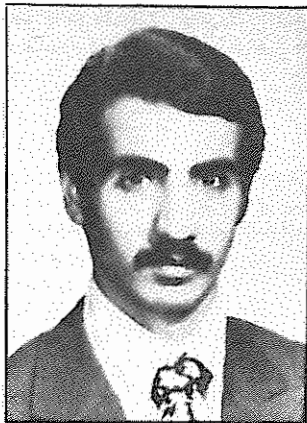
یک سال از فاجعه دردناک اعدام‌های جمعی در زندان‌های ایران گذشت. فاجعه قتل‌های زندانیان سیاسی کابوس هولناکی شد و تا استندماه ادامه یافت. هزاران تن از فرزندان مبارز و آزاده میهن به خون کشیده شدند. رژیم، زندانیان سیاسی را در خیابان‌ها به دار آویخت، در سالن زندان با انفجار نارنجک قطعه قطعه کرد. در میدان‌های تیر سینه‌های سوزانشان را با سرب مذاب به آتش کشید. در زیر شکنجه کشت. در سلول‌های زندان، با اسلحه کمری مفرزهای اندیشمندان را متلاشی کرد، کشت و کشت و کشت!

از نیمه خردادماه سال گذشته، با درماندگی رژیم در پیشبرد شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی"، همزمان با شکست‌های پی در پی نظامی که از رژیم عراق متحمل می‌شد، با تشدید فشارهای اقتصادی بر مردم ایران، و رشد نارضایتی‌های مردم، رژیم جمهوری اسلامی بر شرایط سخت زندان و فشار بر زندانیان بیش از پیش افزود.

هیئت سیاسی سازمان ما در بیانیه‌ای که در ۲۱ خردادماه ۶۷ عبا عنوان "درباره رویدادهای اخیر کشور" منتشر ساخت، جنایت هولناکی را که رژیم برای زندانیان تدارک دیده بود، بدینگونه پیش‌بینی کرد:

"سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به همه هم میهنان و نیروهای آزادی‌خواه کشور هشدار می‌دهد که رژیم برای نجات از بحران فزاینده‌ای که آن را فراگرفته، آماده است به هر جنایتی دست زند. باید با گسترش اعتراض علیه جنایات رژیم و افشای هر چه وسیع‌تر مقاصد شوم آن، رژیم را از ارتکاب جنایات دیگر بازداشت."

رژیم چهل و جنون، بر دامنه جنایت‌هایش افزود. اگر تا پیش‌تر، یک یک و چند چند به جوخه‌های اعدام می‌سپرد، این بار گروه



همسران داغ‌دیده، چه پرشمارند زنهایی که صیقل می‌دهند سلاح همسرانشان را. تا کنون تنها ما توانسته‌ایم ۷۵۶ زندانی کشته شده در اعدام‌های جمعی را شناسایی کنیم. اما فاجعه عظیم‌تر از این است و شمار کشته‌شدگان چندین برابر تعدادی است که ما تا کنون توانسته‌ایم اسامی‌شان را درج کنیم.

یک سال از فاجعه قتل‌هایم زندانیان سیاسی ایران می‌گذرد. کشته‌شدگان از همه نیروهای سیاسی و از همه انسان‌های آزاده و میهن‌دوست ایران بودند. هنوز

ادامه داد. ملاقات زندانیان کاملاً قطع شد. خانواده‌ها بی‌خبر ماندند و در انتظار، انتظاری تلخ و کشنده، جان سوز و ناگوار. انتظاری کابوس‌وار، کابوس اعدام و کشتار. کابوس تحویل گرفتن ساک رخت و لباس عزیز از دست‌رفته، کابوس مرگوار. کابوس شکنجه، شکنجه‌های کابوس‌وار.

... و رژیم کشت و کشت و کشت. از همه نیروها، از همه احزاب، از همه سازمان‌ها، از پیرو جوان، از نوجوانانی که به جرم خواندن نشریات سیاسی دستگیر شده بودند تا رهبران مجرب سازمان‌ها و احزاب سیاسی. از محکومین به یک سال زندان تا محکومین به حبس ابد، و تا آن‌هایی که هنوز محاکمه نشده بودند.

اینک چه بسیارند مادران و پدرانی که به سوگ فرزند نشسته‌اند، چه بسیارند کودکانی که دلی پرکین و سینه‌ای سوزان در اندوه از دست دادن پدر و مادر دارند. ... و چه بی‌شمارند

تمثیل

در یکی فریاد

زیستن -

[پرواز عصیانی فواره‌ئی

که خلاصیش از خاک

نیست

و رهائی را

تجربه‌ئی می‌کند.]

و شکوه مردن

در فواره فریادی -

[زمین

دیوانه‌آسا

با خروش می‌کشد

تا باروری را

دستمایه‌ئی کند؛

که شهیدان و عاصیان

یارانند

که بارآوری را

بارانند

بار آورانند.]

زمین را

باران برکت‌ها شدن -

[مرگ فواره

از این دست است.]

ورنه خاک

از تو

باتلاقی خواهد شد

چون به گونه جوانان حقیر

مرده باشی.

□

فریادی شو تا باران

و گرنه

مرداران!

احمدشاملو

* از طریق تشکل‌های

دمکراتیک و با همکاری همه نیروهای دمکرات و آزادی‌خواه در سالگرد اعدام‌های جمعی به هر شکل ممکن حرکات و اکسیون‌های اعتراضی را سازمان داده و در آن‌ها فعالانه شرکت کنیم.

* نام کشته‌شدگان اعدام‌های

جمعی و عکس‌های گورهای جمعی، این سند هولناک جنایات جمهوری اسلامی را بار دیگر بر دیوارهای شهری که زندگی می‌کنیم به معرض تماشا بگذاریم. * نام و تعداد زندانیان کشته‌شده را بنویسیم و برای جمعیت‌ها، سازمان‌ها و شخصیت‌های ترقی‌خواه و آزاده جهان بفرستیم.

نام و نشان بسیاری‌شان را نمی‌دانیم، اما به نام و به نشان، به تعلق سازمانی و حزبی‌شان، نیازی نیست. همه در نظر ما، همه کشته‌شدگان هویتی یکسان دارند: "حماسه آفرینان نبرد با تاریکی، جهل، خرافات، خودکامگی، جنگ و ویرانی". همه حماسه آفرینند و هویت‌شان نیز همین است.

در میان این حماسه‌آفرینان، انقلابیون نامداری همچون هبیت‌اله‌مینی، امیرنیک‌اثین، محمدعلی‌پرتوی، علی‌رضاشید، حسین اقدامی و... بودند. سازمان ما نیز که در آستانه اعدام‌های جمعی، قهرمان ملی مقاومت در زندان‌های ایران،

هر جا که هستیم حرکات‌های

اعتراضی و افشاگرانه نسبت به جنایات

رژیم جمهوری اسلامی را سازمان

دهیم.

از طریق تشکل‌های دمکراتیک و با

همکاری همه نیروهای دمکرات و

آزادیخواه در سالگرد اعدام‌های

جمعی به هر شکل ممکن حرکات و

اکسیون‌های اعتراضی را سازمان

داده و در آن‌ها فعالانه شرکت کنیم.

* برای روزنامه‌های محلی

شهرهایی که در آن زندگی می‌کنیم به یادبود نخستین سالگرد کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران مطلب بنویسیم و عکس‌ها و اسامی‌شان را برای آن‌ها بفرستیم. ***

فاجعه قتل‌عام زندانیان

سیاسی ایران برای ما فراموش‌ناشدنی است، جنایت‌های رژیم تا بدان پایه دردناک و فاجعه‌بار است که در گذر سالیان، رنگ فراموشی نخواهد گرفت. تنگ این جنایت تا ابد بر دمان جمهوری اسلامی برجای خواهد ماند.

"باش تا نفرین شب از تو چه سازد،

که مادران سیاهپوش - دافدار زیباترین فرزندان آفتاب و باد - هنوز از سجاده‌ها سر برنگرفته‌اند"

انوشیروان لطنی را از دست داده بود، در این کشتار عظیم، انقلابیون و کادرهای برجسته‌ای را از دست داد. دلاورانی همچون صمداسلامی، منصوردیانک شوری، حمیدمنتظری، محمددریاباری، احمدثقلینی، علی‌رضا اسکندری، و

..... هریک از این کشتگان خود به تنهایی یک حماسه‌اند و یک سرود. از نام عزیزشان، از نام شریفشان پرچمی می‌سازیم. هر شهید یک پرچم، یک حماسه.

پرچم‌های این نام‌های شریف را در سراسر جهان برافرازیم. جنایت‌های رژیم برای ما فراموش‌ناشدنی است، نگذاریم در جهان به فراموشی سپرده شود. در سالگرد اعدام‌های جمعی زندانیان سیاسی ایران:

* هر جا که هستیم حرکات‌های اعتراضی و افشاگرانه نسبت به جنایات رژیم جمهوری اسلامی را سازمان دهیم.

ما و فاجعه

بقيه از صفحه ۵

* سازمان هغو بين الكمل طلی
بیانیه‌ای به مقامات ایران تاکید
میکند: "اعدام‌ها را متوقف
کنید!"

هفته سوم آذرماه:

* روز جمعه ۱۸ آذرماه در
خاوران فلفله می‌شود. سرتاسر
گورستان را اعضای خانواده‌های
کشته‌شدگان در فاجعه قتل‌عام پر
می‌کنند. خبر این تجمع با عنوان
گردهمایی عمومی خانواده شهدا
در خاوران در نشریه اکثريت درج
می‌شود.

* خبرهای هولناک‌تری از
فاجعه کشتار همگانی زندانیان
سیاسی ایران به دست می‌رسد:
* در مشهد صدها نفر کشته
شدند.

* در قوچان ده‌ها زندانی
سیاسی به قتل رسیدند.
* در همدان بین چهل تا پنجاه
زندانی سیاسی اعدام شدند.
* در زندان بابل ده‌ها نفر
تیرباران شدند.

* در بند عزیزان اوین تمامی
۶۰ زندانی سیاسی، اعدام شدند.
* در مشهد شش تن از اعدامیان
را در برابر چشمان مردم به دار
آویختند.

* در شهر کوچک رودسر
چهارده تن از زندانیان را اعدام
کردند.

* در زندان شهر جهرم حدود
بیست نفر به قتل رسیدند.
* در شهر کوچک گرمسار بیش
از ۲۱ زندانی سیاسی اعدام شدند.
* در زندان اصفهان، اکثريت
زندانیان سیاسی کشته شدند.

* مردم اراک تعداد تیرباران
شدگان این شهر را صدها تن
برآورد کرده‌اند.

* در گورستان خاوران دیگر
هیچ جای خالی برای دفن شهیدان
وجود ندارد.

اکنون خانواده زندانیانی که در
زندانی‌های تهران کشته شده‌اند،
در جستجوی مزار عزیزانشان به
گورستانی در قاسم‌آباد می‌روند.

* تروریست‌های جمهوری
اسلامی به تظاهراتی که در روز
۱۴ آذر (۵ دسامبر) در شهر
کراچی پاکستان به ابتکار فداییان
خلق در اعتراض به کشتارهای
جنايتکارانه زندانیان سیاسی
ایران سازمان یافته بود، حمله‌ور
شدند. در این حمله رفیق
محمدرضا یکنبدی که از هواداران
سازمان بود، به شهادت رسید.

* اسامی ۱۹۴ تن از قربانیان
کشتار همگانی زندانیان سیاسی

ایران در نشریه اکثريت درج
می‌شود.

هفته چهارم آذرماه:

* خامنه‌ای در میان جمعی از
دانشجویان تهران، در پاسخ به
پرسش یکی از دانشجویان که
"هلت اعدام‌های وسیع در ایران
در تمام استان‌ها چیست؟"
بی‌آنکه وسعت اعدام‌ها را انکار
کند، فاجعه کشتار همگانی
زندانیان سیاسی را عکس‌العمل
کوچکی در مقابل آنهایی دانست که
می‌خواهند جمهوری اسلامی را
سرنگون کنند.

هفته اول دی‌ماه:

* فهرست اسامی ۴۳۹ تن از
قربانیان کشتار جمعی زندانیان
سیاسی ایران در نشریه اکثريت
درج شد.

* شهرهای سرتاسر جهان
شاهد تظاهرات گسترده ایرانیان
در اعتراض به کشتارهای درون
زندانیان برای افشای چهره
جنايتکار جمهوری اسلامی

آخرین صدا

پیش از آنکه فرامرز صوفی راه میدان اعدام برسد با خانواده‌اش
تماس تلفنی می‌گیرد. فرامرز به همسرش می‌گوید:
"متصوره جان سلام. این آخرین تلفن من است. از تو می‌خواهم
که طراوت و جوانیت را از دست ندهی و مواظب نستر و یاسمن
باشی. من آرزوی خوشبختی ترا دارم. همسرش بهت زده و ناباور
است: "من باور نمی‌کنم، نه باور نمی‌کنم." بار دیگر آن صدای
استوار است که از آن سوی خط شنیده می‌شود: "هریز من واقع بین
باش بین من چقدر خوشتردم و محکم و استوار. تو همیشه
باش... از مادر و خواهرم خیلی تشکر کن. دوست داشتم با آن خاصیت
کنم، ولی نشد. با قدری به اولین آشنایانم بیاندیشم، خوب؟ پس
بخندانه، اینطور نیست؟ ترانه "ماریوس" را برای تو و عزیزانم،
نستر و یاسمن می‌خوانم. محبوبم، بدرود..."

هستند.

* در برابر سفارت جمهوری
اسلامی در اکثر شهرهای اروپا
تظاهرات ایرانیان برپا می‌گردد.
* در بسیاری از شهرهای اروپا
و آمریکا مراسم بزرگداشت شهدا
برگزار می‌شود.

هفته دوم دی‌ماه:

* کشتار همگانی زندانیان
سیاسی همچنان ادامه دارد.

* حاجی کریلایی مسئول
پاسخ‌گویی به خانواده‌های
رجوع‌کننده به زندان اوین اعلام
کرده است: "سه بند شامل ۱۲۰۰
نفر را در اوین آب و جارو کرده و
درهایش را بسته‌ایم." مسئولین
کمیتة خاوران خطاب به
خانواده‌های زندانیان سیاسی ابراز
کرده‌اند: "۸۶۴۰ نفر را کشته‌ایم
چون آدم نشده‌اند."

* فهرست اسامی شهیدان
کشتار جمعی زندانیان سیاسی
مندرج در "اکثريت" به ۵۰۰

رسید.

* سازمان هغو بين الملل در
بیانیه خود اعلام کرد: "مقامات
ایرانی بزرگ‌ترین موج اعدام‌های
سری سیاسی از آغاز دهه ۸۰ به
این‌سور انجام داده‌اند.

...واقعا هیچکس نمی‌داند
کشتار کی پایان خواهد یافت و
مرگ در توبت بعدی سراغ که
خواهد آمد..."

هفته چهارم دی‌ماه:

* تعداد اسامی قربانیان کشتار
جمعی که به دست ما رسید از مرز
۵۲۸ تن گذشت.

* در روز ۱۵ دسامبر
نمایندگان کمونیست پارلمان
اروپا، قطعنامه‌ای را که در آن
کشتار جمعی زندانیان سیاسی در
ایران محکوم شده و نسبت به
پایمال کردن ابتدایی‌ترین حقوق
بشر در جمهوری اسلامی ابراز
انزجار شده است، به پارلمان اروپا
ارائه کردند. این قطعنامه مورد
تصویب پارلمان اروپا قرار گرفت.

زندانیان را در گروه‌های غنفری
به دار آویخته‌اند.

هفته دوم بهمن‌ماه:

* هنوز بسیاری از خانواده‌ها از
سرنوشت عزیزان خود بی‌خبرند.
* در داخل زندان‌ها شدت
اندوه و ماتم نسبت به بیرون
صدچندان است. دژخیمان در
چنین فضایی فشار را شدت بیشتری
بخشیده‌اند. برخی از زندانیان که
اخیرا ملاقات شده‌اند، در هنگام
ملاقات مات و مبهوت و قادر به
سخن گفتن نیستند.

* رژیم برای تشدید فشار
روانی، قاچاقچیان را نیز در بین
زندانیان سیاسی اعدام می‌کند.

* ری شهری رئیس ساواک
جمهوری اسلامی اعلام کرد:
"موضوع هغو از جانب وزارت
اطلاعات طرح شده و توسط
مقامات حکومت اسلامی مورد
بحث و بررسی قرار گرفته، اما
هنوز به تصویب نرسیده است."

* فهرست اسامی قربانیان
کشتار همگانی زندانیان سیاسی
ایران مندرج در "اکثريت" ۶۰۸
تن را شامل شد.

هفته چهارم بهمن‌ماه:

* نشریه اکثريت اسامی
تبهکارانی را که مسئول مستقیم
کشتار همگانی زندانیان سیاسی
ایران هستند به ترتیب به شرح زیر
اعلام کرد:

۱- روح‌الله خمینی

۲- علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی

۳- موسوی خامنه‌ای

۴- موسوی اردبیلی

۵- احمد خمینی فرزند روح‌الله

۶- ری شهری وزیر اطلاعات
(ساواک)

۷- مشکینی رئیس مجلس خبرگان

۸- حاج آقا نیری رئیس دادگاه‌های
زندانی اوین۹- حاج آقا شراقی دادستان مستقر
در زندان اوین۱۰- مصطفی پورمحمدی نماینده
وزارت اطلاعات (ساواک)

۱۱- مرتضوی مسئول زندان اوین

۱۲ و ۱۳- هنوز شناسایی نشده‌اند.

هفته اول اسفندماه:

* رژیم برای پوشاندن کوه
اجساد اعدام‌شدگان همدای از
زندانیان سیاسی را آزاد کرد.

هفته چهارم اسفندماه:

* اعتراف صریح رژیم به
قتل‌عام زندانیان سیاسی:

محشمتی در مصاحبه‌ای با
هفته‌نامه عربی زبان "المستقبل"
چاپ پاریس درباره کشتار همگانی
در زندان‌های سیاسی ایران
صراحتاً اعتراف کرد:

"اتما را کشتیم تا از وجودشان
خلاص شویم."

“ چرا کمونیست هستم ”

همانگونه که در شماره گذشته درج گردید در اوایل سال جاری میلادی روزنامه نیویورک تایمز بوسیله ۲۶ خبرنگار در ۲۳ کشور جهان مصاحبه‌هایی با ۵۰ کمونیست ترتیب داد و مجله صلح و سوسیالیسم نیز هینامین سوالات را از تعدادی از کمونیست‌های کشورهای مختلف به هیل آورد. در این شماره مصاحبه با “جایم پاروس” عضو حزب کمونیست آل سالوادور را برای درج در نشریه برگزیده‌ایم.

از دست نداده است آنچه را که ما امروز شاهد آنیم گسترش انتقاد از انحرافات فوق‌الذکر و بسیاری انحرافات دیگر از مارکسیسم می‌باشد. امروز هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که حقیقت مطلق را در تصرف و انحصار خود دارد. از درون روند کنونی انتقاد، که نمی‌توان گفت تا چه زمانی ادامه خواهد داشت، مارکسیسم با تصفیه ناخالصی‌های خود در راه خدمت به اهداف سازنده در همه حیطه‌های هیل انسانی سر بر خواهد افراشت، مارکسیسم مسلماً چیز مقدسی نیست زیرا که مذهب نیست، اما مفسرینی از هلم ما وجود داشتند که تحت توجیهات شبه‌علمی در همین حال تلاش کردند یک مذهب مارکسیستی را تحصیل کنند و در این بین از بدترین شیوه‌های نئو اسکولاستیک بهره‌گرفتند.

پرسش: آیا هرگز از کمونیست بودن شرمگین شده‌اید؟ به چه علت برای تعلق خود به یک حزب کمونیست احساس ضرورت می‌کنید، این تعلق چه چیزی برای شما به ارمغان می‌آورد؟

پاسخ: من بعنوان کمونیست هرگز شرم‌منده نشده‌ام. اما بارها به دلیل تحریفات کوچک و بزرگی که در ایدئولوژی ما صورت گرفته و اشکال و روشهایی که برای تحقق هملی آن بکار گرفته شده است تاسف خورده‌ام. اگر یکبار دیگر به دنیای آمدم باز هم کمونیست میشدم.

من اکنون تقریباً ۴۰ سال است که عضو حزب کمونیست آل سالوادور هستم. من نمی‌گویم که درباره باورهای سیاسی خود احساس ضرورت می‌کنم زیرا ضرورت قدری با خودخواهی و تکبر سروکار دارد و باتواضع طبیعی در تناقض است و تواضع باید یکی از خصوصیات اصلی هر کمونیستی باشد.

امروز بیش از پیش از این که در سن ۲۸ سالگی، هنگامی که آگاهی من بطور قطعی شکل پیدا کرد، راه خوبی را انتخاب کردم که به آن متعلقم، احساس رضایت می‌کنم. من به این حزب پیوستم زیرا که تجسم واقعی میهن پرستی است این بیان خود را در عشق و احترام همیق به مردم‌ها، در مبارزه‌ای سخت برای قلبه بر همه مشکلاتی که درگیر آن است، در انترناسیونالیسم و همبستگی فعال با سایر خلق‌ها تجلی می‌یابد. و من از حزب تشکر می‌کنم برای آنکه از طریق آن میلیون‌ها رفیق در سراسر جهان کسب کرده‌ام.

توجه به فقای فرهنگ‌های موجود در جهان این امید موجه است که نشانه پایه‌ای “اتوپی”، همانطور که کمونیست‌ها توصیف می‌کنند، وحدت در تنوع باشد.

پیروزی انسانگرایی در سیاست دگرگونسازی و در مبارزه علیه دگماتیسم و برای دمکراسی روح تحول تازه‌ای به آرمان‌های سوسیالیسم و کمونیسم بخشیده است.

پرسش: آیا هدم انعطاف‌پذیری شخصیت و سایر اشتباهاتی که در تاریخ کمونیسم وجود داشته است نتایج غیر قابل اجتناب ایدئولوژی است یا انحراف از آن؟

پاسخ: سوزاندن جادوگران، تصفیه و پرستش مذهبی به وسیله مردم هادی (اگر نخواهیم بگویم مردم گناهکار) هیچ‌گونه انطباقی با ایدئولوژی هملی مارکسیستی - لنینستی ندارد. این‌ها تنها گمراهی بیمارگونه و انحرافات کسانی بوده است که این روندها را به جریان انداختند. دقیقاً به همین دلیل درخت بارور علوم اجتماعی شوروی در آن دوران تقریباً از بین رفت. در این میان دگماتیسم نقش مخربی ایفا کرد و به دمکراسی خسارات عظیمی وارد آورد.

پرسش: آیا با این ادعا موافقت می‌کنید که کمونیست‌ها امروز دیگر از یک سیستم واحد باورها و تصورات مشترک درباره آینده برخوردار نیستند؟

پاسخ: جهان هر روز بفرنجر می‌شود. مریک از کشورها و مناطق و نیز مجموعه قاره‌ها مسائل ویژه خود را دارند. اما در همین حال مسائل جهانی و هموم بشری وجود دارند که باید آن‌ها را مشترکاً حل کنیم. بنابراین من وظیفه کمونیست‌ها می‌دانم که دیالکتیک هلم و خاصراً مورد توجه قرار دهند. امروز آشکارا تنوع هقایید وجود دارند اما در همه آن‌ها یک موضوع غیر قابل انکار نهفته است و آن این ضرورت است که می‌بایست آینده بشریت در کلیت آن مورد توجه قرار گیرد.

پرسش: آیا این حقیقت دارد که مارکسیسم اعتبار روشنفکرانه خود را از دست داده است؟ آیا برای شما در مارکسیسم چیز مقدسی وجود ندارد اگر وجود دارد چه چیزی؟ پاسخ: مارکسیسم از نقطه نظر تلقی خود از جهان، انسان، طبیعت و جامعه اعتبار خود را

پرستش: به نظر نشریه نیویورک تایمز روند اصلاحات در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی امیدهایی را برمی‌انگیزد. اما در همین حال نگرانی‌هایی را نیز پدید می‌آورد زیرا کمونیست‌ها باید اکنون اعتراف کنند که آن قربانی‌های بزرگ و مبارزات و مصرومیت‌های پررنج در بخش اعظم خود بیهوده بوده است. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

پاسخ: من دگرگونسازی را بعنوان یک روند واقعا انقلابی مشاهده می‌کنم، به مثابه انقلاب در انقلاب و به مثابه یک فصل نوین در تاریخ اتحاد شوروی. برای ما اصلاً جای تعجب نیست که اصلاحاتی که در آنجا متحقق می‌شوند چه در خود شوروی و چه در بیرون از مرزهای آن هکس‌العمل‌های کاملاً متفاوتی برانگیزند. در کنار ارزیابی‌های خوشبینانه که پایه‌ای مستحکم دارند ارزیابی‌های بدبینانه نیز ابراز می‌شوند. چنین نظریاتی نیز به گوش می‌رسد که به لحاظ حقایق تاریخی که اکنون آشکار می‌شوند مجموعه مبارزات مردم شوروی و کمونیست‌های سایر کشورها مبارزاتی بیهوده بوده است.

من از این افراد سؤال می‌کنم: اتحاد شوروی به چه وسیله‌ای به یک ابر قدرت تبدیل شده است (این یک واقعیت غیر قابل انکار است)؟

مختصرترین پاسخ چنین خواهد بود: بوسیله فداکاری و رنج میلیون‌ها مردم نسل‌های مختلف شوروی. آن‌ها دانه‌هایی کاشتند که امروز میوه‌های آزادی و دمکراسی را به ارمغان می‌آورد. بر داشت محصول تازه اکنون آغاز شده است.

پرسش: چه چیزی از رنج ادوار گذشته و آرمان‌گرایی کمونیست‌ها از آگاهی به رسالت تاریخی و پیشاهنگ پرشوری که توده‌ها را به یک اتوپی رهنمون می‌شود باقی مانده است؟

پاسخ: آنچه به شخص من مربوط است، دگرگونسازی، آرمان‌های کمونیستی و تصورات مرا در باره آینده تأیید و تقویت می‌کند. تصوراتی که فقط به علت آنکه تا تحقق آن هانوز راه درازی در پیش است می‌تواند به عنوان “اتوپی” ظاهر شود. با این حال من امیدوارم که این آینده حتماً متحقق شود. اما نمی‌توان تاریخ و زمان دقیق را برای تحقق آن پیش‌بینی کرد. ما کمونیست‌ها با قییب گوئی بیگانه‌ایم اما با

کمک‌های مالی رسیده

به خانواده زندانیان سیاسی

نیمایان استراليا ۲۱۵ مارک

کیل شمال زادگان ۲۹۰ مارک

ب.م. برای واحدهای

فدایی در داخل ۷۱۰ مارک

دومیراث

بقیه از صفحه آخر

نوآوری و توارث، دو رکن به طور دیالکتیکی همپوندهستند که روند تاریخ، آهنگ و تضادهای آن را رقم می زنند. وحدت این دو در مقابل ابدی آنهاست. توارث، همبسته جریان آرام رویدادهاست و نوآوری در لحظات چرخشی دست بالا پیدا می کند. امروز نیز ما درست چنین لحظاتی را از سر می گذرانیم، لحظاتی که یادآور ایام چرخش های تند و ایام انقلاباتی است که به بیان مارکس "دائما خود را نقد می کنند، مرتباً در حرکت خود مکتب می کنند و به آنچه که انجام شده به نظر می رسد، باز می گردند تا بار دیگر آن را از نو آغاز کنند، و اقدامات نیم بند، نقاط ضعف و نارسایی نخستین تلاش های خود را با جدیتی بی رحمانه، به باد استمزا می گیرند" (ک. مارکس، ف. انگلس، جلد ۸ - ص ۱۲۳)

از اینجا است که این سوال لنین تا این اندازه برای ما مبرم می گردد که: "از چه میراثی دست می کشیم؟" اما در پاسخ گوئی به این سوال باید این هشدار لنین را هم به یاد داشته باشیم که: انسان ها همیشه از گذشته دو میراث می برند. یکی، آنچه که باید از آن به خاطر پیشروی سریع دست شست، و دیگری - آنچه که به طور ارگاتیک به گنجینه ایده های ما وارد می شود و به حرکت ما یاری داده، آن را شتاب می بخشد. نه تنها انسان ها، بلکه جوامعی که به مرحله نوین تکامل پا می گذارند و نیز احزاب سیاسی هم، میراثی دریافت می کنند. به عنوان نمونه، در پایان قرن گذشته، لنین فراگیری میراث جنبش رهایی بخش روس از جانب سوسیال - دموکراسی انقلابی را با درک خلق مارکسیستی از میراث

دمکرات های انقلابی روس و به طور همزمان با دست شستن از سنت های چه لیبرالی و چه افراطی ناردنیسم مربوط می دانست. جدل دیالکتیکی بفرنجی پدید آمد. اما آیا جدل حادی هم می توان سراغ کرد که ساده باشد؟ بهره گیری صحیح از میراث، علم دشواری است. در اینجا به راحتی می توان اشتباه کرد و به اصطلاح بچه را هم همراه آب، بیرون ریخت و با یک ضرب، رشته های ارتباط با گذشته، با ثروت های فرهنگ ملی و تمدن جهانی را قطع نمود. بدبختانه، ما از چنین تجربه تلخی بی نصیب نمانده ایم. برخی شخصیت های دارای روحیاتی بیش از اندازه رادیکال، کوشش داشتند بنای اجتماعی کیفتا نوین را بر زمینی لخت و در جایی بسازند که حتی از بازمانده های فرهنگ کهن پاک شده باشد - تلاش هایی که اگر چه از نیت خیر برخاسته بود، از پیش محکوم به شکست بود. چنین برخوردی از ریشه با این اندیشه لنین که فراگیری تمامی آن ثروت هایی را

که بشریت اندوخته است ضروری می دانست و معتقد بود که سوسیالیسم باید بر تجربه متنوع تمدن و فرهنگ جهانی متکی شود، در تضاد قرار دارد. علاوه بر این، سنت مارکسیسم که توسط لنین تداوم یافت اصل تاریخ گرایی را که با "نقی بی اساس" ناسازگار است مهمترین نقطه هزیمت می داند، اما در همین حال تغییر، بسط و تکامل و حرکت به پیش را در صدر قرار می دهد. تاریخ گرایی لنینی در برخورد با گذشته و حال، هم تلنبار کردن آنچه را که کاملاً کهنه شده است و هم نوآوری به خاطر نوآوری یا به بیان لنین، تلفیق کهنه منسوخ با مدی بی جان را به یکسان نمی کشد. (نگاه کنید به مجموعه آثار لنین، جلد ۲، ص ۴۴۵)

مساله برخورد به میراث، امروز نیز فوق العاده مبرم می نماید. و این مساله در مقایسه با ایام لنین، از تضادهای کمتری نیز برخوردار نیست. تنها امروز بیش از همه، صحبت بر سر میراث هفت دهه اخیر است.....

کارزار عظیم تبلیغاتی علیه جمهوری دمکراتیک آلمان

اکنون هفته هاست مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی غرب کارزاری وسیع علیه جمهوری دمکراتیک آلمان به راه انداخته اند. این کارزار که همدا پیرامون محور خروج شهروندان ناراضی از این کشور صورت می گیرد، ابعادی کم سابقه یافته است.

ابتدا نگاهی به رویدادهای هفته های اخیر می اندازیم: در هفته های گذشته حدود سیصد نفر از شهروندان آلمان دمکراتیک در دفتر نمایندگی دائمی آلمان فدرال در برلین پایتخت آلمان دمکراتیک و در سفارت خانه های آلمان فدرال در بوداپست و پراگ به تحصن نشستند. خواست آنها خروج از آلمان دمکراتیک بود.

مطبوعات غرب پیرامون این امر جنجال بزرگی به راه انداختند. پس از یک هفته ۱۵۸ نفر از تحصن کنندگان در برلین پس از دریافت تضمین از سوی دولت آلمان دمکراتیک مبنی بر این که تحت پیگرد قرار نخواهند گرفت، به خانه های خود بازگشتند. در بوداپست، سفارت آلمان فدرال با سوءاستفاده از ملامت دولت

مجارستان بیش از صد نفر را با هواپیما از مجارستان خارج و به آلمان فدرال فرستاد. دولت آلمان دمکراتیک این امر را خلاف حقوق انسانی و دخالت خشن در امور این کشور خواند. پاسخ آلمان فدرال چنین بود: "برای ما فقط یک تابعیت آلمانی وجود دارد." روز شنبه، ۱۹ ماه اوت، بیش از ۵۵۰ نفر از شهروندان آلمان دمکراتیک در مجارستان، با استفاده از موقعیتی که "اتحادیه پان اروپایی" پدید آورده بود، از مرز مجارستان گذشته و وارد خاک اطریش شدند. این اتحادیه که سازمان های مختلف مهاجران اروپای شرقی را در بر می گیرد، توسط حزب سوسیال مسیحی آلمان فدرال ایجاد شده و همدا گرایشات سوسیالیسم ستیز محافل انتقام جوی غرب را دنبال می کند. این اتحادیه در این روز با سازمان دادن یک پیک نیک در خاک مجارستان و در نزدیکی مرز اطریش، با پخش وسیع اعلامیه میان دهه هزار نفر از شهروندان آلمان دمکراتیک که برای تعطیلات در مجارستان به سر می بردند، آنها را ترغیب به گذاشتن از مرز و ورود به اطریش می کرد.

تعداد زیادی از مهاجرین بیان داشتند که طی چند روز اقامت خود در مجارستان تصمیم به مهاجرت به غرب را گرفته اند.

در این میان موج مخالفت با این سیاست در آلمان فدرال در میان مردم رو به رشد است. در آلمان فدرال حدود چهار میلیون از شهروندان بیکار هستند و امیدی به یافتن کار ندارند.

این یکی از محورهای گسترش نارضایتی از ترفیق مردم اروپای شرقی به مهاجرت است. از سوی دیگر اقتصاد آلمان فدرال که در شرایط مساهد کنونی جهان سرمایه داری رو به رشد است، به نیروهای متخصص و کارآمد در مشاغل چون الکترونیک، مکانیک، مدیریت و کاربرد دستگاه های حساب گر نیاز فوری دارد. از آنجا که شهروندان کشورهای اروپای شرقی و به ویژه جمهوری دمکراتیک آلمان به طور عموم از سطح بالاتری از تخصص و آموزش برخوردار هستند، اقتصاد آلمان فدرال روی آن ها حساب باز کرده است. از سوی اطلاق صنایع و بازرگانی آلمان فدرال این امر بارها تکرار شده است. در همین حال

ناگفته نماند که بیش از ده هزار نفر از کسانی که آلمان دمکراتیک را ترک کرده اند، موفق به بازسازی زندگی خود در آلمان فدرال نشده اند و در زمره بیکاران محسوب می شوند.

آشکار است که سرنوشت انسان هایی که به این یا آن دلیل از شرایط زندگی میهن خود ناراضی هستند، از سوی محافل انتقام جوی غرب و در صدر همه آلمان فدرال در جهت منافع کمونیسم ستیز خود به بازی گرفته می شود. برای کسانی که با تمام نیرو از رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی حمایت می کنند، در آمریکای لاتین به معنای واقعی کلمه خون مردم را با سود باز پرداخت وام های نجومی می کنند، برای کسانی که از نقض حقوق بشر سخن می گویند ولی خود یکی از ابتدایی ترین حقوق بشر معنی حق کار و زندگی شایسته یک انسان در کشوری ثروتمند چون جمهوری فدرال آلمان را برای چهار میلیون شهروند این کشور به زیر پا می گذارند، سرنوشت چند صد نفری که چند هزار نفر که فریب زرق و برق و وعده های آن ها را می خورند، چه اهمیتی دارد؟

زنجیرهای انسانی در جمهوری های کرانه بالتیک

قتل کاندیدای ریاست جمهوری

در کلمبیا توسط مافیای

موج اخیر ترور در کلمبیا قربانی دیگری گرفت. لوئیس کارلوس گالان کاندیدای حزب لیبرال برای انتخابات ریاست جمهوری جمعه هفته گذشته توسط باند های مواد مخدر (مانیا) به قتل رسید. گالان در مبارزه انتخاباتی خود قول مبارزه جدی با باندهای مواد مخدر را داده بود. در اعتراض به ترور گالان و هدم توانایی دولت در مقابله با باندهای مواد مخدر ۴۶۰۰ قاضی دادگستری کلمبیا یک اعتصاب نامحدود را آغاز کردند.

حمله موشکی به کابل

بنا به گزارش سخنگوی دولت افغانستان در کابل در یک حمله موشکی به کابل ۱۰ تن کشته و ۹ نفر زخمی شدند. کشته شدگان همگی جز افراد غیر نظامی بودند. نجیب الله رئیس جمهور افغانستان، آمریکارای به خاطر ارسال موشک های چند کلاهکی به ضد انقلابیون افغانی متهم به تروریسم بین المللی کرد. موشک هایی که اخیرا از طرف آمریکارای اختیار ضد انقلابیون قرار گرفته دارای چند کلاهک می باشد که در فاصله های زمانی مختلف منفجر می شوند و بدین ترتیب پس از اصابت این موشک ها، کمک رسانی به مجروحین توأم با ریسک خواهد بود.

شرایط دشوار کشور مورد سوء استفاده قرار گرفته و اساس جامعه سوسیالیستی زیر سؤال برود - از سوی دیگر هیات سیاسی اعلام کرد که حزب مصمم است سیاست رفهرم را قاطعانه پیش برد.

مازویکی اعلام کرده است که خواستار یک ائتلاف وسیع با شرکت همه نیروها و از جمله کمونیست ها است. اکنون پیرامون نقش یکایک احزاب و میزان قدرت آن ها در دولت مذاکره صورت می گیرد. اتحادیه همبستگی وزارت دفاع و وزارت کشور را به حزب کارگران متحد پیشنهاد کرده است. حزب کارگران متحد روز یکشنبه هفته گذشته اعلام داشت که حزب براساس توانایی و نیروی سیاسی خود در جامعه سهم شایسته خود در دولت را می طلبد. در بیانیه حزب آمده است که در "تغیر این صورت حزب نمی تواند مسئولیت رویدادهای آتی در لهستان را برعهده گیرد."

در پلنوم حزب کارگران متحد لهستان که روز شنبه ۲۰ ماه اوت برگزار شد، راکوفسکی دبیر اول حزب مورد انتقاد شدید حزب قرار گرفت. راکوفسکی در مصاحبه مطبوعاتی که روز دوشنبه ۲۲ ماه اوت صورت یافت، گفت: "مصوبات پلنوم اخیر انتظارات بدنه حزب را برآورده می سازد... حزب به دنبال راه های افزایش نفوذ خود در جامعه است. او گفت: "آیا ما تسلیم می شویم یا دست به تهاجم می زنیم؟ آیا ما از ارزش های سوسیالیستی دست می شویم و برای دفاع از آن ها آماده هستیم؟"

فوق رژیم های محلی مداخله ای ننمودند. در مسکو اعلام شد که اوضاع در سه جمهوری بطور نسبی آرام است. از آنجا که یک سال پس از قرارداد مزبور سه جمهوری فوق الذکر به اتحاد جماهیر شوروی پیوسته اند جبهه خلق بر خلاف مواضع رسمی اعلام شده خود با سازماندهی اعتراض به قرارداد و بی اعتبار نامیدن این قرارداد در واقع پیوستن این سه جمهوری به اتحاد جماهیر شوروی را زیر سؤال می برد.

اجلاس مشترک تعدادی از گروه های لبنانی و فلسطینی

سوریه و ایران نیز در این اجلاس حضور داشتند.

شرکت کنندگان در این اجلاس محتوای بیانیه صادره از سوی خود در اجلاس مورخه ۲۵ خردادماه ۶۸ در تهران را مجدداً مورد تاکید قرار داده و خواهان وحدت صفوف و گسترش راه های مبارزاتی مشترک گردیدند. گروه های لبنانی تا به امروز چندین بار جهت مبارزه مشترک با تجاوز اسرائیل و نیروهای متحد و بی اجلاس های مشترکی برگزار کرده و به توافق هایی نایل آمده اند ولی هر بار به دلیل سیاست های مخرب جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته به وی و یادخالت های سوریه توافق هائ نقض شده و امکان اجرا نیافته است.

در تاریخ ۲۳ اگوست به عنوان اعتراض به پنجاهمین سالروز امضای قرارداد هدم تهاجم میان هیتلر و استالین صدها هزار نفر به طور سمبلیک در سه جمهوری لیتوانی، استونی و لتونی در اتحاد جماهیر شوروی زنجیر انسانی برپا کردند.

رهبران احزاب کمونیست جمهوری های مزبور قبل از برگزاری اکسیون های مزبور با جبهه های خلق که سازمانده آن ها بودند گفتگو هایی در جهت رعایت و حفظ قوانین مربوطه داشته اند اما در جریان نمایش اعتراضی

۲۱ حزب، سازمان جمعیت و گروه لبنانی فلسطینی اقدام به تشکیل یک اجلاس مشترک نمودند. در این اجلاس نمایندگان از حزب سوسیالیست ترقی خواه، حزب کمونیست لبنان، جنبش امل، حزب الله، حزب بحث سوسیالیست، الصاعقه، جماعت اسلامی، جنبش وحدت طلبان ناصری و... حضور داشتند. در پایان اجلاس فوق بیانیه مشترکی از سوی گروه های شرکت کننده صادر شد که در آن بر ضرورت مبارزه برای آزاد سازی بخش های اشغالی سرزمین لبنان از سوی صهیونیست ها، مبارزه علیه میشل عون و مبارزه علیه فرقه گرائی در لبنان تاکید گردید. فاروق الشرع و ولایتی وزرای امور خارجه

نخست وزیر غیر کمونیست در لهستان

روز دوشنبه ۲۱ ماه اوت، وویتسخ یاروزلسکی، رئیس جمهور لهستان به پارلمان این کشور پیشنهاد کرد، تا دویچ مازویکی، روزنامه نگار وابسته به اتحادیه همبستگی را به عنوان نخست وزیر لهستان برگزینند. مازویکی اکنون مامور تشکیل دولت شده است. به این ترتیب اکنون برای اولین بار یک نخست وزیر غیر کمونیست مامور تشکیل دولت لهستان می گردد.

پس از کاهش عظیم آراء حزب کارگران متحد لهستان در آخرین انتخابات و ایجاد بن بست جهت تشکیل دولت، هفته ها مذاکره میان جناح های مختلف برای خروج از بن بست صورت گرفت. سرانجام حزب دمکرات و حزب دهقانان که تاکنون در ائتلاف با حزب کارگران متحد بودند، اعلام کردند که حاضرند با سندیکای همبستگی جهت تشکیل دولت وارد ائتلاف شوند. سندیکای همبستگی که از پذیرش مسئولیت دولت امتناع می ورزید، با تشویق محافل حامی خود در قرب و آمادگی دو حزب دمکرات و دهقانان، سرانجام آمادگی خود را جهت تشکیل دولت اعلام کرد.

اکنون در جامعه لهستان، در خیابان ها، در کارخانه ها و در وسایل ارتباط جمعی پیرامون

آینده کشور تبادل نظر صورت می گیرد. مردم در برابر دشواری های متعددی قرار دارند. تورم هر روز افزایش می یابد. به ویژه پس از قطع سوبسید دولتی برای ۷۰ درصد از کالاهای مصرفی، قیمت ها با سرعت روبه افزایش گذارده اند. قفسه های خالی فروشگاه ها، صف های طولانی و انتظار بی نتیجه زمینه مساعدی برای گسترش سریع نارضایتی فراهم آورده اند. اکنون دولت جدید با این مشکلات روبروست و هیچ کس و حتی سندیکای همبستگی نیز نمی تواند ادعا کند که بهتراز کمونیست ها می تواند بر مشکلات چیره شود. خودداری طولانی همبستگی از پذیرش مسئولیت دولت از همین زاویه قابل توضیح است. مازویکی نخست وزیر جدید در یک گردهمایی گفت: "من نسخه جدیدی ندارم که به شما ارائه دهم."

اتحادیه همبستگی اکنون برای یافتن راه حل به مشاوران خود در جهان قرب توسل جسته است. راه حل آن ها نیز روشن است: آن ها توصیه کرده اند که واحدهای تولیدی دولتی خصوصی شده، به صورت شرکت های سهامی در آیند و اقتصاد "آزاد" در جامعه لهستان گسترش یابد. هیات سیاسی حزب کارگران متحد لهستان جامعه لهستان را فراخواند که اجازه ندهند

گسترش عملیات نظامی در کردستان

شدت یافته است " در این اطلاعیه به یک رشته عملیات از تاریخ اول تا ۲۳ مردادماه اشاره گردیده و همچنین اعلام گردیده که رژیم ۲ تن دیگر از اعضای حزب بنامهای منصور پورحقیق و پیربابا راوندی را در زندانهای ارومیه و کرمانشاه اعدام نموده است. قبلاً نیز خبر اعدام تعدادی از زندانیان زندانهای ارومیه و مهاباد در بهار امسال اعلام گردیده و اسامی حسین حسین پور، نظام مردی، حسن بایزیدی، هلی خرم پناه و کمال تلاح انتشار یافته بود.

در هفته های گذشته عملیات و درگیری های نظامی در کردستان دامنه بیشتری یافت. دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان در خارج از کشور بدین مناسبت اطلاعیه ای صادر نمود و در آن اعلام کرد که "بدنبال شهادت دکتر عبدالرحمن قاسملو، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران عملیات تعرضی پیشرگان در مناطق مهاباد، بوکان، سقز، پیرانشهر، اشنویه، ربطه سردشت، دالاهو، اورامانات و بانه علیه نیروهای جمهوری اسلامی

کودکان و نوجوانان،

امکانات آموزشی

سال) و بیش از ۴ میلیون نفر از تحصیلات متوسطه محروم ماندند.

وقتی آمار مربوطه را در سطح استانهای کشور ارزیابی کنیم هم فاجعه را هر چه بیشتر درمی یابیم، به عنوان مثال طبق آمار سال ۶۶ در کل دو استان کهگیلویه و بویراحمد ۲۲ دبیرستان وجود داشت و مجموعه ها در کل این دو استان فقط ۷۳۸۲ دانش آموز در مقطع دبیرستان تحصیل میکردند. در استان کردستان هم در همان سال فقط ۳۸ دبیرستان که ۱۲۵۷۹ دانش آموز را در خود جای داده بود، وجود داشت.

در کل کشور طبق آمار در سال ۶۶، ۳۵۹۱ دبیرستان موجود بوده است که می بایستی در مقطع سالهای ۶۷-۶۶، در حدود ۵/۵ میلیون نفر از جوانان گروه سنی دوره دبیرستانی را تعلیم بدهد! برای جمعیت ۱۳/۵ میلیون نفری کودکان بین ۵ تا ۱۴ سال فقط ۶۲ هزار آموزشگاه (ابتدایی و راهنمایی) در سال تحصیلی ۶۷-۶۶ وجود داشت.

آمار سال ۶۵ همچنین نشان می دهد که برای ۱۸ میلیون کودک و نوجوان و جوان بین ۵ تا ۹ سال سن در سراسر کشور تنها ۷۱۵۹۹ آموزشگاه در سطوح ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان وجود داشته است.

طبق سرشماری سال ۱۳۶۵ جمعیت جوان زیر ۱۹ سال کشور در حدود ۲۶ میلیون نفر بوده است. در همین سال در گروه سنی ۵ تا ۹ سال مجموعاً ۷ میلیون و ۵۷۲ هزار و ۳۰۶ کودک جای می گرفتند. از این تعداد ۷ میلیون و ۲۳۲ هزار و ۸۲۰ کودک جذب سیستم آموزش ابتدایی کشور شدند، یعنی ۳۳۹ هزار و ۴۸۹ کودک در سنینی بین ۵ تا ۹ سالگی، در سال ۶۵ از تحصیلات ابتدایی محروم مانده اند. طبق همین سرشماری حدود ۱۳ میلیون و ۲۶ میلیون جمعیت جوان زیر ۱۹ سال، بین ۵ تا ۱۴ سال سن داشته اند که قاعدتاً باید در دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیل می کردند ولی فقط ۱۰ میلیون نفر از این گروه سنی تحت پوشش آموزشی بودند. یعنی ۳ میلیون کودک بین ۵ تا ۱۴ سال جذب نظام آموزش و پرورش نشده اند. در سطوح بالاتر تحصیلی بخصوص در دوره متوسطه نیز وضع به همین منوال است. طبق آمار سال ۶۵ گروه سنی بین ۱۵ تا ۱۹ سال که شامل افرادی می باشد که باید دوره آموزش متوسطه را بگذرانند در حدود ۵ میلیون و ۲۴۹ هزار و ۴۱۷ نفر هستند. ولی از این تعداد فقط یک میلیون و ۷۶۲ هزار و ۷۶۲ نفر دوره تحصیلات متوسطه را گذرانند (در حدود یک پنجم نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۹

نخست وزیر غیر کمونیست
در لهستان

صفحه ۱۱

برای اشتراك نثریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
☐ شش ماهه	۱۱ مارك	۱۳ مارك
☐ يك ساله	۲۱ مارك	۲۴ مارك

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
☐ سه ماهه	۲۷ مارك	۳۰ مارك
☐ شش ماهه	۵۲ مارك	۵۸ مارك
☐ يك ساله	۱۰۲ مارك	۱۱۵ مارك

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

دومیراث

مقاله "دومیراث" زیر سرفصل دائمی "حیات معنوی جامعه" در نشریه کمونیست آمده است و در آن به فاکت های مرصه معنوی و هنر و ادبیات هفتادسال گذشته در جامعه شوروی پرداخته شده است.

این مقاله توسط هیات تحریریه نشریه کمونیست تهیه شده است. ما پیش در آمدن این مقاله را که رابطه نوآوری و میراث گذشته را بطور کلی مورد بحث قرار داده است جهت درج برگزیده ایم. پیش در آمد مقاله ای به همین نام از جانب هیات تحریریه نشریه کمونیست.

از شماره ۹ نشریه "کمونیست" ژوئن ۱۹۸۹

بقیه در صفحه ۱۰

AKSARIYAT
NO. 272
MONDAY, 28 AUG 89

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

ساب بانکی
AUSTRIA . WIEN
BAWAQ
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک هائی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید